

[مفهوم شرط 1](#_Toc87898821)

[بیان مرحوم صدر برای مفهوم داشتن جمله شرطیه 1](#_Toc87898822)

[مقدمات سه گانه مرحوم صدر برای تحقق مفهوم 1](#_Toc87898823)

[امر اول: نسبت توقیفیه در قضیه شرطیه 2](#_Toc87898824)

[امر دوم: تعلیق سنخ الحکم در قضیه شرطیه 2](#_Toc87898825)

[امر سوم: اطلاق احوالی در نسبت توقفیه 2](#_Toc87898826)

[اشکال استاد به مرحوم صدر: خلاف وجدان و ارتکاز بودن تحلیل ایشان 2](#_Toc87898827)

[تفصیل بین قضیه شرطیه خبریه و انشائیه 3](#_Toc87898828)

[عدم تفصیل بر مسلک ابراز 3](#_Toc87898829)

[مفهوم داشتن جمله شرطیه خبریه بر مسلک مشهور: بیان مرحوم صدر 4](#_Toc87898830)

[اشکال استاد به مرحوم صدر 4](#_Toc87898831)

**موضوع**: بررسی کلمات /مفهوم شرط /مفاهیم

# مفهوم شرط

## بیان مرحوم صدر برای مفهوم داشتن جمله شرطیه

بحث در مورد مفهوم شرط بود. مرحوم صدر مثل دیگران اعتراف دارد که جمله شرطیه مفهوم دارد. یعنی ارتکاز و وجدان احساس می­کند که جمله شرطیه دو مدلول دارد. یکی انتفاء عند الانتفاء و دیگری ثبوت عند الثبوت.

مدعای ایشان این است: بیاناتی که از جانب محققین مطرح شده، مبتلا به اشکال و مدعی است که بیان خودش صحیح است. البته بیان ایشان اصلش در کلمات آغا ضیاء وجود دارد. ایشان در خیلی موارد فکرش با مرحوم آغا ضیا تطابق داشته است.

### مقدمات سه گانه مرحوم صدر برای تحقق مفهوم

مرحوم صدر فرموده است: از ضمیمه سه امر کنار هم، کشف می­شود که جمله شرطیه مفهوم دارد.

#### امر اول: نسبت توقیفیه در قضیه شرطیه

ادات شرط، دلالت بر نسبت توقفیه دارند، منظور توقف فلسفی نیست؛ بلکه توقف یک معنای وسیعی دارد. نسبت التصاقیه. نسبت عدم انفکاک جزاء از شرط. ایشان می­گوید: ادات شرط برای بیان التصاق جزاء به شرط وضع شده است. نکته این وضع تبادر است.

ما قبلا گفتیم این ادعا درست است؛ ولی به وسیله وضع صحیح نیست. ظاهر مترتب کردن جزاء بر شرط این است که ملازمه وجود دارد.

#### امر دوم: تعلیق سنخ الحکم در قضیه شرطیه

ظاهر از جمله جزاء این است که سنخ الحکم را می­خواهد معلق کند؛ نه شخص وجوب اکرامی که با هیئت امر ایجاد شده است. ظاهر جمله شرطیه تعلیق سنخ الحکم است، نه شخص الحکم.

#### امر سوم: اطلاق احوالی در نسبت توقفیه

ظاهر جمله شرطیه بیان نسبت توقیفیه است. یعنی جزاء موقوف بر شرط است. این موقوفیت در جمیع احوال است و اطلاق دارد.

این نکته در کلمات مرحوم آغا ضیا هم هست. تعلیق مطلق است یعنی وجوب اکرام در جمیع احوال موقوف بر آمدن زید است. بنا بر این، باید گفت: لازمه این خصوصیات انحصار شرط است. مثلا اگر زید نیامده باشد؛ بلکه مکتوب او آمده باشد، ان جائک زید می­گوید در همین حال هم تعلیق وجوب اکرام بر آمدن زید وجود دارد. این مطلب یعنی انحصار.

ایشان می­گوید: انحصار را از نسبت توقیفیه به دست می­آوریم. این که جزاء را منوط به شرط می­کند و اطلاق هم دارد، نتیجه آن انحصار است.

### اشکال استاد به مرحوم صدر: خلاف وجدان و ارتکاز بودن تحلیل ایشان

مهمترین مقدمات، مقدمه سوم است. شما وقتی که می­خواهید یک وجدان و ارتکازی بیان کنید، باید یک چیزی بگویید که ارتکاز بپذیرد یا اگر در ارتکاز ما نباشد با بیان شما به راحتی قابل تصدیق بشود. به نظر ما فرمایش مرحوم نائینی روان تر و با ارتکاز ما سازگار است. حرف مرحوم صدر متین است؛ ولی تحلیل آن به وسیله اطلاق احوالی تعلیق باشد، به بافیدن نزدیکتر است تا واقعیت.

چرا ان جائک زید فاکرمه، مفهوم دارد؟ اگر جواب آن اطلاق احوالی تعلیق باشد، خلاف ارتکاز است. وجوب اکرام وقتی که مطلق است، همه قیود را نفی می­کند وقتی که یک قید آمد، به همان مقدار دست از اطلاق بر می­داریم و این همان انحصار است.

### تفصیل بین قضیه شرطیه خبریه و انشائیه

مرحوم صدر در ادامه فرموده است: جمله شرطیه خبریه مفهوم ندارد و وجدان قاضی به این مطلب است. مثلا ان اکل زید السم سوف یموت، قطعا مفهوم ندارد و ممکن است تصادف کند و بمیرد.

سوالی که در اینجا مطرح است این است که این سه مقدمه که در جمله انشائیه گفته شد در جمله خبر هم جاری است چرا مفهوم نداشته باشد؟ مرحوم صدر در صدد حل این سوال بر آمده است.

اگر گفتیم جمله خبریه مفهوم ندارد یک اشکالی مطرح می­شود که بر مبنای مرحوم نائینی هم جاری است و همه باید حل کند. صاحب فصول هم که می­گفت ظاهر شرط انحصار است باید حل کند.

#### عدم تفصیل بر مسلک ابراز

بر مبنای مسلک ابراز –مرحوم خویی- این اشکال واضح الدفع است. ایشان می­گوید: در جمله خبریه ثبوت نسبت معلق بر شرط نشده است تا اگر منتفی شد، ثبوت منتفی شود؛ بلکه قصد حکایت را معلق شده است؛ پس جمله خبریه به این معنا مفهوم دارد. مثلا زید اگر سم بخورد فسوف یموت. در این جا مردن موقوف نشده است؛ بلکه قصد حکایت موقوف شده است و مشکلی هم پیش نمی­آید. پس به خاطر این که معلق، قصد حکایت است دیگر اشکال مطرح نمی­شود. اگر زید سم بخورد من قصد حکایت این خبر را دارم و الا قصد ندارم. این مفهوم صحیح است.

در قضیه شرطیه ای که جزاء انشاء است، ابراز امر اعتباری موقوف است و از طرفی ما هم یک معبتر که بیشتر نداریم مثلا عمر می­گوید: اگر بمیرم، ملکیت این خانه را برای زید اعتبار می­کنم. یا ان جائک زید فاکرمه، یعنی من وجوب اکرام را ابراز می­کنم حالا اگر ابراز منتفی شد، وجوب هم منتفی می­شود؛ چرا که قوام وجوب، ابراز است. بر خلاف جمله خبریه که محکی با عدم حکایت، منتفی نمی­شود. در جمله شرطیه انشائی وجوب منوط به ابراز است و اگر ابراز منتفی شد، ابراز هم منتفی می­شود اما در اخبار اگر ابراز منتفی بشود قصد منتفی می­شود نه اینکه محکی منتفی بشود.

فرق بین اخبار و انشا را می­توان با مبنای مرحوم خویی حل کرد.

#### مفهوم داشتن جمله شرطیه خبریه بر مسلک مشهور: بیان مرحوم صدر

اما بر مبنای مشهور، در ان اکل زید السم فسوف یموت، همین نسبت موت به زید معلق است نه قصد حکایت و اشکال مفهوم نداشتن مطرح می­شود. مرحوم صدر جواب داده است و در حقیقت جواب ایشان به تفسیر جمله خبریه بر می­گردد. ایشان می­گوید: مفاد جمله خبریه ثبوت نسبت یا لا ثبوت نسبت در خارج نیست. معنای زید قائم این نیست که نسبت قیام به زید در خارج محقق است. خارج ربطی به مدلول کلام ندارد. در خارج محقق شدن از وثاقت و صداقت متکلم است که به آن می­رسیم. این که خارج محقق است یا نه بستگی به قرائن دارد. اگر راستگو است و قرائن بر صدق هست، در خارج محقق شده است و الا فلا.

مرحوم صدر فرموده است: جمله خبریه برای ثبوت نسبت در خارج وضع نشده و دلالت ندارد تا شما اشکال کنید مفهوم مثال مذکور این است که اگر زید سم نخورد، نمی­میرد و حال آن که درست نیست. معنای جمله خبریه یک معنای ضمنی و نسبت تصادقیه است. معنای زید قائم حکم به اتحاد قائم با زید است. مفاد آن حکم به هو هویت در ذهن است. سوف یموت به معنای اسناد مردن به زید در ذهن است. ارتباطی در ذهن شما بین موت و زید ایجاد می­کند.

نتیجه این می­شود: اگر زید سم را نخورد این معنای ذهنی منتفی است؛ اما در خارج چه می­شود، ربطی به این مدلول ندارد. مرحوم صدر معنای جمله خبریه را غیر مرتبط به خارج کرده است.

پس سه مقدمه مذکور در جمله خبریه جاری می­شود و مفهوم هم به این معنای مذکور دارد. مفهوم جمله مذکور این است: اگر سم نخورد این نسبت در ذهن ایجاد نمی­کنم.

##### اشکال استاد به مرحوم صدر

ما قبول داریم که جمله خبریه برای خارج وضع نشده است و مدالیل ذهنیات هستند. ما با الفاظ معنایش را در ذهن ایجاد می­کنیم؛ اما در عین حال احضار این ذهنیات موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقیت دارد. هر چند زید قائم برای هو هویت وضع شده است؛ اما این که ما می­گوییم زید قائم، استعمال الفاظ در معنا به غرض انتفال از معنا به واقع است. دقت کنید: غرض این نیست که این معنا به ذهن بیاید بلکه ارتباط به خارج است. وقتی که گفت: زید اگر سم بخورد به زوردی می­میرد به خارج منتقل می­شود یعنی زید افتاده و رنگش پریده.....

الفاظ معانی را در ذهن ایجاد می­کنند و این معانی طریق به خارج هستند. توجه داشته باشید که خود الفاظ کاشف نیستند؛ بلکه الفاظ، معانی را به ذهن می­اورند و بعد به خارج منتقل می­شویم. از سوف یموت مردن واقعی را می­بینیم و اینکه افتاده و ...

ادامه بحث در جلسه آینده